**یک سند مهم از تاریخ مشروطیت ایران**

**نوائی، عبدالحسین**

تازه طهران فتح شده و دوره استبداد یا بقول مرحوم کسروی«خرده خودکامگی» بسر رسیده بود که پنج تن از زعمای مشروطیت و فاتحین طهران دور یکدیگر جمع شده برای پیشرفت و ترقی مملکت و حفظ آب و خاک وطن با یکدیگر پیمان کردند و کتاب خدا را حکم قرار دادند و بر پشت صفحه آخر قرآن مجید همان قسم خویش را نوشته امضاء نمودند.این پنج نفر عبارت بودند از محمد ولی خان تنکابنی، علی قلیخان بختیاری سردار اسعد، نجفقلیخان بختیاری صمصام السلطنه، میرزا صادق مستشار الدوله، اسماعیل خان ممتاز الدوله.

محمد ولیخان تنکابنی که بالقاب نصر السلطنه و ساعد الدوله و سپهدار و سپهدار اعظم در تاریخ قرن اخیر ایران بخصوص در قضایای مشروطیت معروف است از کسانی است که نیمی از ماجرای فتح طهران و ریاست اردوی مجاهدین شمال را بحساب او نوشته‏اند.(رجوع کنید بمقالات این بنده در اطلاعات ماهیانه در خصوص«فتح طهران»)

علی قلیخان بختیاری ملقب بسردار اسعد از بزرگترین خوانین بختیاری و رئیس اردوی جنوب در فتح طهران است وی هنگام استبداد صغیر در اروپا بود و پس از کسب اجازه و جنگ نه تنها مجاز میباشد بلکه در هر هنگام که نفع میهن در آن متصور است نباید او اقدام بآن کوتاهی کرد و کار اساسی برای یک نفر یا یک کشور همانا حصول پیروزی است و لو اینکه برای حصول این پیروزی بهر وسیله‏ای متشبث شوند و این پیروزی بقیمت خون ده هزار، صد هزار و یک میلیون نفر تمام شود.ما دیدیم که این طرز فکر ما را بکجا کشانده و عواقب آنرا در این حال عصبیت و اضطرابی که امروز کره ما را میلرزاند مشاهده میکنیم.

تاریخ آنطور که بما یاد داده‏اند و آنطور که هنوز هم امروز بنو باوگان کشورها یاد داده میشود مجموعا یک درس از غرایز ناپاک است و آموختن آن دارای نتایج و خامت باری است و چنین درسی بسی زیان آور و فوق العاده بدبین‏کننده است.زیرا در واقع شرح این جنگها و پیروزیها بچه درد میخورد؟یک ارتش بر ارتش دیگر پیروز میشود و کشورها با الحاق پاره‏ای ایالات بزرگ میشوند و بعد دوباره با از دست دادن همین ایالات کوچک میگردند.

آیا چیزی کسالت‏انگیز تر از این تقویم ابدی جنگهای انسانی وجود دارد؟ این درست بدان میماند که بخواهند در یک کتاب تاریخ سرگذشت تمام مسابقات فوتبال را که در طی پنجاه سال اخیر روی داده شرح دهند و بگویند که در فلان عصر توم، جاک را شکست داده و در عصر دیگر جاک بر توم غلبه یافته! ناتمام از سر چارلس هاردینگ و وزارت خارجه انگلستان از راه خوزستان خود را ببختیاری رساند و قائد نهضت حریت طلبانه بختیاری گردید.

نجفقلیخان صمصام السلطنه برادر اوست که اول بار ایل جلیل بختیاری را بتصرف اصفهان امر داد و سپس در معیت برادر خود سردار اسعد بطهران آمد، چنیدن بار در کابینه‏ها سمت وزارت داشت تا در هنگام عودت محمد علیشاه برپاست وز راه رسید و چندین کابینه تشکیل داد من جمله کابینه‏ای که او لتیماتوم روس را پذیرفت.

میرزا اسماعیل خان ممتاز الدوله ازو کلای دوره اول مجلس بود و پس از احتشام السلطنه که در ریاست مجلس جنبه ریاست مآبی و دیکتاتور نمائی پیش گرفته بود و بر اثر قیام و مخالفت مطبوعات از کار خود استعفا کرد، برای آنکه دیگر چنین رئیس زورگوئی روی کار نیاید میرزا اسماعیل خان را که مردی بی‏آزار و اذیت بود بریاست مجلس برگزیدند. و بعدها چنیدن بار بوزارت مالیه رسید.

نفر پنجم و تنها کسی که از این افراد در حیات است آقای میرزا صادق خان مستشار الدوله سابق و صادق صادق فعلی است.قضاوت در زندگانی ایشان در این صفحات مختصر نمی‏گنجد. و ایشان در مجلس دوم مدتی بریاست مجلس رسیدند و از آن پس در کابینه‏های متعدد سمت وزارت یافته‏اند.گرفتاری اعضاء«کمیته مجازات»-یعنی رادمردان غیور خائن کش-یکی از اقدامات مهم دوره وزارت داخله ایشان است.خداوند بایشان طول عمر عطا، و رفتگان را غریق رحمت و مغفرت فرماید.